

قواعد ساختاری قصص قرآن

زهرا مولایی^۱

^۱. سطح ۲، حوزه علمیه الزهرا سلام الله علیها هیدج .

چکیده

بحث از قصه و قصص قرآنی در عرصه فرهنگ و انتقال مفاهیم انسانی قدمتی دیرینه دارد. قصه‌گویی یا قصص قرآنی شیوه‌ای پرکاربرد در قرآن است که از آن برای هدایت و بیان حقایق بهره می‌گیرد. به طوری که در سوره‌ها و آیات متفاوتی به داستان‌های گوناگونی در زمینه‌ها و موضوعات مختلف اشاره شده است که حدود یک چهارم آیات قرآن را داستان‌ها و قصه‌ها دربر دارند. داستان‌های عبرت آموزی که از سرگذشت واقعی نیکان و پلیدان به میان آورده است، قصص قرآنی، از ضوابط و قواعد ارزشمندی برخوردار است. برخی از این قواعد به ساختاری بودن قصص قرآن اشاره دارد، از جمله قواعد ساختاری قصص قرآن؛ تنزیه از لغویات، آزادی هنری، مردمی بودن و... است

بنابراین مقاله پیش رو سعی دارد ضمن بیان مفاهیم مقدماتی؛ قصه، قصص قرآن، قواعد، به قوانین ساختاری قصص قرآن بپردازد.

کلید واژه‌ها: قصه، قصص قرآنی، قواعد ساختاری.

مقدمه

قصص یکی از ابزارهای بیان اغراض دینی محسوب می‌شود و به همین جهت است که کتب مقدس، مشحون از قصص می‌باشد. قصه همواره همراه زندگی انسان بوده و آموزش از طریق قصه نیز، همراه دین بوده است و از این طریق انسان را به هستی پیوند داده و موجب باروری اندیشه شده و چه زیبا در قرآن آمده است که «فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»؛ ای پیامبر پس این داستان را برای مردم حکایت کن، شاید نسبت به امور خویش بیندیشند.^۱ دین، بسیاری از تعلیمات خود را در قالب داستان بیان نموده و از این طریق انسان را با عقاید دینی (یعنی رسیدن به خدا و کمال نهایی) پیوند می‌دهد، به دلیل اهمیت قصه و داستان برای هدایت نوع بشر، بخش وسیعی از قرآن با حدود یک چهارم به بیان داستان‌های لطیف و آموزنده اختصاص یافته است، و می‌توان گفت که تمام جنبه‌های هدایت نیز در آن آمده است.

لذا در این مقاله با بیان معانی قصص قرآن و قواعد به قواعد و ضوابط ساختاری قصص قرآن پرداخت خواهد شد.

پیشینه‌ی قواعد ساختاری قصص قرآن قدمتی به اندازه آیات قرآنی دارد. در این راستا کتاب یا مقاله که مرتبط با این عنوان باشد، یافت نشد. تمامی مقالات قرین به این عنوان می‌باشد.

۱- کتاب "الاعجاز القصصی فی القرآن" نوشته: سعید عطیه علی مطاول، نویسنده در چهار فصل ابتدا به معرفی انواع قصه در قرآن پرداخته و عناصر و اهداف قصه‌های قرآنی را بیان می‌نماید. در ادامه یادآور می‌شود که قصه‌های قرآنی دو گونه‌اند: وقایع و حوادث برخی از قصه‌ها در سوره‌های مختلف پخش شده است مانند داستان حضرت موسی (علیه السلام)، و در برخی دیگر وقایع و حوادث به صورت کامل آمده است مانند داستان حضرت یوسف (علیه السلام).

۲- کتاب "التصویر الفنی فی القرآن" نوشته: سعید قطب. نویسنده در این کتاب بیشتر به بررسی اغراض و ویژگی‌های آن پرداخته است.

۱. اعراف: آیه ۱۷۶.

۳- کتاب "سنت‌های تاریخ در قرآن" نوشته: محمد باقر صدر، مؤلف در این کتاب به بررسی قوانین و سنن تاریخی در قرآن و لزوم سیر و بررسی حوادث تاریخی و اهمیت کشف سنت‌های تاریخ در قرآن را یادآور می‌شود.

۴- مقاله "نگاه تاریخی قرآن و تاریخ نگاری مورخان مسلمان" نوشته: دکتر محسن الویری، نویسنده در این مقاله کوشیده است روش تاریخ نگاری قرآن را با بهره‌گیری از روش مقایسه کیفی محدود کشف کند.

با این بیان، اکثر مطالعات انجام شده روایی بوده و بیشتر بر روی مفهوم شناسی قصص قرآن تأکید شده، ولی مقاله حاضر سعی بر این است که قواعد ساختاری بودن قصص قرآن را در آیات بررسی نماید.

بنابراین قصص قرآنی از اهمیت و ضرورت بسیاری برخوردار است به طوری که قرآن کریم که به عنوان کتاب الهی می‌باشد بهترین الگو را در تمام ابعاد زندگی بشری ترسیم می‌کند، یکی از این ابعاد، تاریخ نگاری قصص است، چه قواعد و قوانینی در قصه گویی وجود دارد، تا برای تاریخ نگاری الگو باشد.

لذا سؤال این طور مطرح می‌شود که آیا قصه گویی و تاریخ نویسی و داستان سرایی قرآن بدون ضابطه و قاعده بوده و فقط به نقل تعدادی حکایت پرداخته یا ضابطه‌مند و هدفمند بوده و با در نظر گرفتن اهداف و مقاصدی با شیوه بیان مخصوص قصصی را برای شنوندگان نقل می‌کند؟

از این رو داستان سرایی قرآن متفاوت از دیگر قصص دست نویس بشر می‌باشد و سبکی منحصر به فرد دارد، که با پیروی از قواعد خاص و ویژه، اهداف خاص را به دنبال می‌کند.

مفهوم شناسی

۱- قصص

قصص به معنای سرگذشت و تعقیب و نقل قصه است، آن جا که خداوند می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ.....»؛ یقیناً این واقعیاتی که بیان شد، همان داستان راست و درست مسیح است»^۱ و در اصطلاح خبری است که بعضی پشت سر بعضی باشد از اخبار گذشتگان^۲ سرگذشت را از آن جهت قصص و قصّه گویند که گوینده آن را تعقیب می‌کند و به دنبال آن است.^۳

با این بیان در این مقاله مراد از قصص داستان‌های گذشتگان و معاصرین و آیندگان است.

۲- قواعد

قاعده به معنای اصل و اساسی است که بر آن تکیه می‌شود.^۴ طریحی در بیان واژه قاعده می‌نویسد: «قواعد جمع قاعده به معنای بنیان و پایه برای چیزی است که در بالای آن قرار دارد.»^۵ و در اصطلاح قاعده، قضیه‌ای کلی که بر همه‌ی جزئیات خود منطبق می‌شود و منشأ استنباط و مبنای علم به جزئیات می‌شود.^۶

قواعد ساختاری قصص قرآن

باید دانست که قرآن در ساختار قصه‌هایش از قواعد و اسلوب‌های متنوع سود جسته است. و قصص خود را با ساختاری زیبا و خاص ارائه داده است، ساختار قصص قرآنی، ساختار معجزه‌ای است و در عین حالی علمی است، ساده و روان و قابل فهم عموم مردم می‌باشد. تمامی این قواعد در جهت هدف اصیل قرآن، یعنی القای هر چه بیشتر معانی و معارف الهی،

۱. آل عمران: ۶۲.

۲. قرشی، قاموس قرآن، ج ۶، ص ۱۱ و ۱۲.

۳. طریحی، مجمع‌البیان، ج ۴، ص ۱۷۹.

۴. واسطی، زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۵، ص ۲۰۱.

۵. طریحی، همان، ج ۳، ص ۱۲۹.

۶. جرجانی، التعریفات، ص ۷۴.

نکته اول: با توجه به تفاوت قصص تکراری در اهداف و شیوه ارائه و الفاظ به جرأت می توان گفت که تکرار حقیقی و مطلق در قصص قرآن راهی ندارد. و هیچ داستانی نیست که در شکل واحدی از لحاظ اندازه و شیوه ارائه و اهداف و الفاظ و عبرت ها و تقدّم تأخّر و نکات تکرار شده باشد و هر جا بخشی از قصه تکرار شده با توجه به سیاق، معنای جدیدی می دهد که حقیقتاً تکرار محض نخواهد بود.

نکته دوم: گاه یک عمل چندین بار در خارج اتفاق افتاده است، که لازمه تکرار در عالم خارج، تکرار در نقل است، اما قرآن از این نوع تکرار به شیوه زیبایی فاصله گرفته است. به عنوان نمونه فراعنه بعد از نزول هر یک از بلاهای "طوفان"، "ملخ"، "شپش"، "قورباغه"، "خون" به نزد موسی (علیه السلام) رفته و وعده ایمان آوری داده و سپس بعد از برطرف شدن بلا، پیمان شکنی می کردند. به عبارت دیگر "وعده ایمان" و "پیمان شکنی" توسط فراعنه پنج بار اتفاق افتاده که لازم بود این عبارت پنج بار نقل شود ولی قرآن با ظرافت خاصی اتفاقی که پنج بار تکرار شده را با یک عبارت زیبا و رسا بیان می کند:

« فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالصَّفَادَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِنْ كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِيْلَى أَجَلٍ هُمْ بِالْغَوْهِ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ؛ سپس (بلاها را پشت سر هم بر آنها نازل کردیم): طوفان و ملخ و آفت گیاهی و قورباغه ها و خون را - که نشانه هایی از هم جدا بودند - بر آنها فرستادیم؛ (ولی باز بیدار نشدند، و تکبر ورزیدند، و جمعیت گنهکاری بودند! هنگامی که بلا بر آنها مسلط می شد، می گفتند: "ای موسی! از خدایت برای ما بخواه به عهدی که با تو کرده، رفتار کند! اگر این بلا را از ما مرتفع سازی، قطعاً به تو ایمان می آوریم، و بنی اسرائیل را با تو خواهیم فرستاد!" اما هنگامی که بلا را، پس از مدت معینی که به آن می رسیدند، از آنها بر می داشتیم، پیمان خویش را می شکستند! »^۱

۴-۶. خطابی - کتابی

داستان ها در یک تقسیم بندی یا "نوشتاری" هستند و یا "گفتاری". اما قصص قرآن جزء کدام نوع از داستان ها می باشد؟ از آن جهت که قرآن جنبه خطابی و گفتاری دارد،

^۱. اعراف: آیه ۱۳۳ تا ۱۳۵.

ولی از ابتداء مقررّ بوده که نوشته شود و به صورت نوشته در آید تا معجزه جاوید بماند؛ از این رو قرآن گاه خودش را کلام و جنبه گفتاری می داند. «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلِمَةَ اللَّهِ» و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود.^۱ و گاه کتاب و جنبه نوشتاری «وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ» و این کتابی است که ما آن را نازل کردیم.^۲ بنابراین قصص قرآن هم قصص خطابی و کتابی هستند. یعنی مزیت هر دو قسم را دارند. از این رو قصص قرآن نوع جدیدی از داستان ها هستند که دارای ویژگی هر دو قسم هستند. به عنوان نمونه "تکرار" در قصه گفتاری امری نیکو است چرا که چه بسا متوجه غفلت کرده و یا متوجه نشده و یا از ذهنش فرار کرده و تکرار این مشکلات را رفع می کند. ولی در نوشتار ، تکرار مطلوب نیست چرا که وقتی متن پیش روی خواننده وجود دارد در صورت غفلت یا فراموشی و عدم توجه بار دیگر می تواند به متن رجوع کند. حالا قرآن این نکته کلیدی را در تکرارهای خود لحاظ کرده است، از سویی تکرار را انجام داده چون قصه خطابی است و از سوی دیگر در هر تکرار برخی از الفاظ و نوع گویش و اطناب و ایجاز را تغییر داده تا متناسب با قصه نوشتاری باشد. به گونه ای که هر تکراری گویای نکته جدیدی بوده و به نوشتار خلل وارد نکند. به عبارت دقیق قصص قرآنی دارای جذابیت گفتاری (آغاز با پرسش، ابهام و...) و استواری نوشتاری می باشد.

^۱. توبه: آیه ۶.

^۲. آل عمران، آیه ۷-، الحاقه: آیه ۴۳ و غیره.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم یکی از کتاب‌های الهی است و برای هدایت انسان نازل شده است که در آن، نکته‌ها و بحث‌های مختلفی نهفته است که می‌توان به آن پی برد، از جمله مباحث بسیار زیبا در قرآن کریم، قصه‌ها و داستان‌ها هستند که در خور توجه بوده و است. به طوری که در سوره‌ها و آیات قرآن کریم به قصه‌های گوناگونی از زندگی پیامبران و سرگذشت آنان اشاره شده است. منظور از قصص قرآن، سرگذشت داستان‌های گذشتگان و معاصرین و آیندگان می‌باشد.

با این بیان قرآن کریم در ساختار قصه‌هیش از قواعد و قوانینی برخوردار است که بر آن تکیه می‌شود. یکی از این قواعد قصص قرآن، ساختاری بودن آن است که در آن قصص قرآن دارای ساختاری زیبا و خاص ارائه شده است که از آن جمله: پرهیز از جزئیات زائد است. در این ساختار، قصص قرآن از جزئیات زائدی که تأثیری در اصل و هدف داستان ندارد پرهیز می‌شود. یکی دیگر از قواعد ساختاری قصص قرآن آزادی هنری است، در این نوع قاعده قرآن از نمودهای فراوان و حوادث تاریخی، آزادی هنری دارد. همچنین از دیگر قواعد ساختاری قصص قرآن، مردمی بودن آن است؛ یعنی قصه‌های قرآن ساده و قابل فهم عام مردم است و تکرار یک داستان واحد در موانع مختلف از شاخص‌های ساختاری قصص قرآن است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. اشرفی، عباس، مقایسه قرآن و عهدین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۰.
۲. جرجانی، علی بن محمد، التعریفات، چاپ ابراهیم ایاری، بیروت، ۱۹۸۵.
۳. حسینی زبیدی واسطی، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ اول، لبنان، بیروت، ۱۹۹۴م.
۴. خلف الله، محمد احمد، خلیل عبدالکریم، الفن القصصی فی القرآن، لندن، سینا، چاپ چهارم، ۱۹۹۹م.
۵. دانش کیا، محمد حسین، نگاهی دیگر به تاریخ در قرآن، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۳ ش.
۶. زحیلی، وهبة بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقيدة و الشريعة و المنهج، بیروت/دمشق، دارالفکر المعاصر، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ه ق.
۷. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ه ق.
۸. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، تفسیر کبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ه ق.
۹. فروردین، عزیزه، زیبا شناسی هنری در داستان های قرآنی، چاپ دوم، قم، مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۷.
۱۰. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، لطایف الإشارات، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، چاپ سوم، بی تا.
۱۱. قطب، التصوير الفني فی المیزان، بیروت، دارالشروق، ۱۹۹۵/۱۴۱۵.
۱۲. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، حسینی اشکوری، مکتبه المرتضویه، تهران، ۱۳۷۵.
۱۳. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱.

۱۴. معرفت، محمدهادی، نقد شبهات پیرامون قرآن کریم، حسن حکم باشی، قم، تمهید، ۱۲۸۵.

مقالات

۱- رضایی، زهرا "بررسی جایگاه تاریخ و قصص در قرآن"، فصلنامه معارف قرآنی، ش ۱۸، ۱۳۹۳.